

پست مدرنیسم و برنامه ریزی شهری

نویسنده: دیوید مک آلوت
مترجم: اسماعیل یوسفی، دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا
و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس

پژوهش در علوم انسانی و مطالعات شهری
جامعه نومیان

P o s t
Modernism

مقدمه

برنامه ریزان باید از نیروها و مکتب های فکری که شهرهای ما را شکل و تغییر می دهند، آگاه باشند. یکی از این مکتب ها «پست مدرنیسم» است. برنامه ریزی عقلانی، نوگرا و متداول، در یک دهه و نیم گذشته دستخوش تأثیرات حرکت پست مدرن بوده که این امر باعث یک نگرش واضح پست مدرن نسبت به برنامه ریزی شده است. برنامه ریزی پست مدرنیستی، ضد نگرش تجدیدگرا و عقلانی است. به واسطه این تضاد، درک و فهم ما نسبت به ماهیت برنامه ریزی شهری بهتر خواهد شد. برای شناخت این که زمینه مطالعات برنامه ریزی به کدام سو گرایش دارد، باید ابتدا برنامه ریزی مدرن و مسائل مرتبط با آن را بررسی کنیم.

برنامه ریزی، همانند سایر رشته ها از جمله معماری (که ارتباط خیلی نزدیکی با آن دارد)، در معرض تأثیرات این مکتب فکری جدید (پست مدرنیسم) است. بخش های قبلی، نگرش مدرنیستی به برنامه ریزی و مسائل مرتبط با آن را مطرح کردند و در ادامه، نگرش پست مدرنیستی و تفاوت های آن با نگرش مدرنیستی تشریح می شود. از این طریق، می توان به آگاهی هایی در زمینه مطالعات برنامه ریزی شهری دست یافت.

برنامه ریزی مدرنیستی

مدرنیسم جنبشی بود که برنامه ریزی جزئی از آن است. این مکتب فکری برای مطالعات برنامه ریزی، از یک جنبش اصلاحی در واکنش به شهرهای صنعتی قرن نوزدهم به وجود آمد. بنابراین، مدرنیسم یک واکنش فرهنگی نسبت به فرایندهای مدرنیزاسیون مقارن با ظهور سرمایه داری در قرن های نوزدهم و بیستم است. نخستین تأثیر مدرنیسم، کاهش الزام گیری های سرمایه داری صنعتی، به هنگام میانجیگری بین سرمایه گذاران (کسلی که کارایی تولیدی شهرها را بهبود بخشیدند) و تأثیر پذیرندگان از این روند بود. مدرنیسم عموماً می تواند به معنی «فور دیسم»^۱ تعریف شود؛ یعنی تولید انبوه صنعتی از نوع آنچه در دهه ۱۹۲۰ توسط هنری فورد^۲ در کارخانجات اتومبیل سازی به وقوع پیوست.

اولین برنامه ریزان مدرن، با طرز تلقی های آرمانی، ایمان داشتند که در آینده باید مشکلات اجتماعی رام و بشریت از فشارهای کمیابی و حرص و طمع آزاد شود. معماران مدرن به نوبه خود در صدد برآمدند تا شهرهایی را طراحی کنند که کارایی صنعتی را بهبود بخشند و همچنین، در مواجهه با کمبود برجسته مسکن، گونه های استاندارد شده ای را طراحی کنند که قابلیت تولید انبوه^۳ داشته باشند.

برای هاروی، برنامه ریزی و توسعه مدرنیستی عبارت است از یک طرح با سبک بین المللی، بزرگ مقیاس، ساده، دارای خودگرایی فضی و کارایی کارگرفتی.

روند در حال توسعه برنامه ریزی مدرنیستی به وسیله عمومی کردن نیروها (کل گرایی و یکپارختی با بحران شهرنشینی مقارن شده است)، عملکرد گرایی و تجرد (تجرد به خاطر از بین بردن حسن هویت مکانی، جامعه شهری و فضای عمومی مورد انتقاد قرار گرفته است) هدایت می شود. لیکن نتایج برنامه ریزی مدرنیستی همیشه مطلوب نبود. برای نمونه، اجماع به وسیله قطعه قطعه شدن شهر مدرن، گسیخته شدند.

به علاوه، اچ. آر. اچ. پرینس چارلز^۴، منتقد صریح اللهجه برنامه ریزی و معماری مدرن در بریتانیا، ادعا می کند که بعد از سال ۱۹۴۵ بریتانیا وارد یک افول سرد ۴۰ ساله در اجرای یک دوره برنامه ریزی بوروکراتیک و «مدرنیزاسیون مغرب»^۵ شده است.

مشکلات برنامه ریزی مدرنیستی

برنامه ریزی مدرنیستی به وسیله مظاهر سیاسی و اقتصادی پست مدرنیستی به چالش کشیده شد. در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، مشکلاتی به صورت شکل های جدید سیاسی، روابط اقتصادی و شهرهای بازسازی شده ای که موجد مشکلاتی برای ساختمان های تشکیل دهنده شالوده اصلی اجاره نشینی ناشی از برنامه ریزی مدرنیستی بود، آشکار شد. برای بیان مشکلات ایجاد شده به وسیله برنامه ریزی مدرنیستی، می توان به عقیده رابینز^۶ اشاره کرد که معتقد است، بحرانی از مدرنیزاسیون شهری در دو سطح وجود دارد: مقیاس مشکلات فیزیکی و اجتماعی در شهر مدرن (نابرابری، قطعه قطعه شدن و بیگانگی ثبت شده در چشم انداز فیزیکی و اجتماعی شهرها) و در سطحی بالاتر، این پرسش ها که: ما فکر می کنیم شهرها چه چیزهایی هستند؟ ارزش هایی که باید زندگی شهری را منظم کنند، کدامند؟ اکنون مقصود از هویت شهری چیست؟ (مجموع ها و سیستم های جدید شهری با مفاهیم سنتی زندگی و فرهنگ شهری تفاوت زیادی دارند.)

نتیجه آن که پارادایم های مدرنیستی منطبق بر شهرهای توسعه یافته در اواخر قرون نوزدهم و بیستم، خیلی متفاوت تر از آنچه که آن ها می توانستند رواج دهند، تفسیر شده اند. در شرایط فعلی، این پارادایم ها به دلیل افزایش مقیاس سیستم های شهری و وارد شدن آن ها در سیستم های جهانی، از رسیدگی مؤثر به تقاضاها عاجزند. در نتیجه، برنامه ریزی خیلی جزء جزو خرد شده است. این موضوع در نظریات رابینز به صورت یک مثال درآمده است که در درک آنچه که قبلاً از طریق چشم اندازها هدایت می شده، اصمحلان تصور وجود داشته است. اکنون اثر انرژی از بین رفته است و آرمانگرایی

به صورت یک پدیده مبتذل و بیش‌پا افتاده فرود، ساخته است (برنامه‌ریزی یک شهر خوب، نه یک شهر ایده‌آل). پس‌پسند می‌برو
ابتدال که از نتایج مهم مدرنیسم شهری هستند، در حال حاضر
از توسعه پیش‌تر خود جلو‌گیری می‌کنند.

یکپوختی و وحشیگری از بدیهیات شهرهای مدرن هستند.
این پدیده‌ها به عقیده رایج، وجه اختیاری تجرد و نال‌گری در
برنامه‌ریزی مدرنیستی هستند. به علاوه، به عقیده فیلیپ کوک،
بعد محلی به مدت خیلی زیادی به علت حکمفرمایی انحصاری
فرهنگ مدرنیستی مورد غفلت واقع شده است. هاروی^۱ مسأله به
وجود آمده را به عنوان نیاز به منطق جایگزین مدرنیسم برای مسائلی
که با شهرها درگیری پیدامی‌کردند، چنین توضیح می‌دهد: منطق
مدرنیسم روی کارایی، عملکردگرایی و عدم شخصیت‌تسریز
یافت، به طوری که حس مکان را فرسوده کرد. بنابراین حس
هویت را تحلیل برد و البته روابط میان هویت و آرامش را از هم
گسیخت.

به هنگام مطالعه برنامه‌ریزی پست مدرنیستی، یک مسأله ساده
این است که روی معایت نگرش مدرنیستی تسریز داشته باشیم. با
وجود این، قابل بحث است که اگر راه‌حل‌های کاپیتالیستی برای
بی‌تکلیفی‌های مطالبات توسعه بعد از جنگ بنا نهاده می‌شده،
بعضی از انواع برنامه‌ریزی‌های بزرگ مقیاس و صنعتی کردن
صنعت ساختمان مورد نیاز بود. این موضوع با تحقیق در مورد
تکنیک‌های جدید حمل و نقل سریع و توسعه پرتراکم ترکیب
یافت. با وجود این که نگرش برنامه‌ریزی مدرنیستی راه‌حل‌هایی
از یک نوع بنا نهاده است، موفقیت این راه‌حل‌ها در بسیاری از
موارد به خاطر اتخاذ روش‌ها و ارائه‌تایجی که به طور قابل توجهی
با نتایج برنامه‌ریزی پست مدرنیستی تفاوت دارد، مورد انتقاد قرار
گرفته است. نمونه‌ای از این تفاوت‌ها عبارت است از: فقدان
تزیین و طرح شخصی شده.

با وجود این که در بخش‌های قبلی از مدرنیسم و برنامه‌ریزی
مدرنیستی دفاع شد، مشکلات آن آشکارا بدیهی و مهم هستند، یک
خروجی برای نارضایتی از نگرش مدرنیستی، به وسیله پست
مدرنیسم ارائه شد.

پست مدرنیسم

اوضاع و شرایط شهری به وجود آمده بر پایه‌ریزی مدرنیستی تغییر
یافته‌اند و چیزهایی که تحت این پارادایم توسعه یافته‌اند، اکنون به گذشته
تاریخ تعلق دارند. در پاسخ به کوتاهی‌های پارادایم مدرنیستی و
تغییرات در سازمان فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، پست مدرنیسم
ظهور کرد. پست مدرنیسم به طور کلی می‌تواند، به عنوان
«پس‌پسند» توصیف شود و می‌تواند به وسیله ظهور اطلاعات
جدید متکی بر صنایع همچون صنایع رایانه‌ای مشخص شود.

در کوشش به منظور تعریف که برنامه‌ریزی پست مدرنیستی
نامه‌دهی می‌شود، بررسی آنچه که برنامه‌ریزی مدرنیستی نیست،
می‌تواند خیلی مؤثر باشد. اگر مدرنیسم به روابط قطع شده با «هر»
یا «همه» شرایط تاریخی گفته شود، پست مدرنیسم می‌تواند به
برقراری مجدد روابط تاریخی اطلاق شود. پست مدرنیسم به احیای
شهر، برقراری مجدد ریشه‌های دسته‌جمعی و خصوصی و به طور
کلی، مجدویت مجدد شهر از طریق مجدویت مجدد هویت و
جاده مربوط می‌شود.

مدرنیسم عکس‌العمل ناگهانی در مقابل مادر شهر قرن نوزدهم
بود. این امر به توسعه نگرش‌های جدید، خیالی و آرمانی نسبت به
برنامه‌ریزی و توسعه شهرها منجر شد. برای مثال، اینر هاورد،
فرانک لوید رایت و لوکوربوزیه راه‌های جدیدی برای تشکیل
سکونتگاه‌های انسانی و تراز کردن ترتیبات ابداع کردند. بسیاری از
شکل‌های ساخته شده که از تفکرات آن‌ها ناشی شده است، امروزه
از تفکرات متداول هستند و ایده‌های آنان تفکر برنامه‌ریزی پست
مدرنیستی را توجیه می‌کنند.

تجدید نظر در ایده‌ها و مفاهیم مدرنیسم و نیز طرد آن، با فرض
این که مدرنیسم از جنبه‌هایی چون کارکرد، عدم وجود سبک،
معماری تولید انبوه و برنامه‌ریزی شهری تخریبی - آرمانی مطلوبیت
کم‌تری دارد، انجام گرفت.

در برنامه‌ریزی پست مدرنیستی، راهبردهای ارگانیک و کثرت
گرادر صدد مورد بحث قرار دادن توسعه شهری هستند. طبق این
روش جدید تفکر، توسعه شهری، «کلاژی»^۲ از فضا‌های خیلی



Modernism

کارآمد یا معماری فاقد ریشه توجه می‌کنند. به طور کلی، در حالی که مدرنیسم از زوی آرمان شهری داشت، پست مدرنیسم در دنیای واقعی ریشه دارد. پست مدرنیسم کالبد شهری را به صورت قطعه قطعه و یک چیز درهم برهم از اشکال گذشته که روی هم قرار گرفته‌اند، تصور می‌کند. طراحی شهری نسبت به سنت بومی، تاریخ محلی و معماری عامیانه حساسیت دارد.

مدرنیسم از تجرد و کارکردگرایی استفاده می‌کند، در صورتی که پست مدرنیسم در صدد تجدید سنت و برقراری مجدد فضاست. به عقیده مولگان^{۱۱}، ایجاد حس جامعه یک اصل مهم در برنامه‌ریزی پست مدرنیستی است. به علاوه، حس جامعه می‌تواند به فرهنگ‌های محلی که در مدرنیسم مورد غفلت واقع شده بودند، هویت ببخشد.

گودچایلد^{۱۲} نموداری جامع از تفاوت‌های بین مدرنیسم و پست مدرنیسم تهیه کرده است. قسمت‌هایی از آن انتخاب شده است تا تفاوت‌های بین این دو نگرش را نسبت به برنامه‌ریزی روشن کند.

بعضی از ایده‌های کلیدی در پست مدرنیسم عبارتند از: تنوع در چشم انداز، زمینه محلی، تجدید و ترمیم و انطباق با شرایط. دو محیط ساخته شده که نمونه‌هایی از تفاوت بین مدرنیسم و پست مدرنیسم هستند، هر دو در لندن قرار دارند و عبارتند از: Royal Festival Hall و South Bank Centre در مقابل Docklands. آینده‌گرایی Royal Festival Hall فرقی نمایانی با گذشته‌گرایی توسعه جدید در Docklands دارد.

تفاوت است و به «جهان‌های دیگر»^{۱۳} و «صداهای دیگر»^{۱۴} توجه می‌شود. این موضوع در برابر خودگرفتن به تفکر مدرنیستی به منظور تحمیل طرح‌های منگی به منطقه بندی کارکردی فعالیت‌های گوناگون قرار دارد (برای استفاده از فناوری آمریکای شمالی). پست مدرنیسم، به برگشت به مقیاس انسانی، ایجاد مجدد جامعه و اشکال بومی کمک می‌کند. برای بعضی از پیروان اروپایی پست مدرنیسم، این مکتب به اصلاح و خلق مجدد ارزش‌های شهری کلاسیک سنتی (شامل اصلاح کالبدی شهری قدیمی‌تر، آماده‌سازی مجدد برای کاربری‌های جدید و ایجاد فضاهای جدید برای ترکیب مناظر سنتی با مصالح و فناوری‌های مدرن) کمک می‌کند. خلاصه پست مدرنیسم در صدد یافتن راه‌هایی برای بیان زیبایی‌شناسی تنوع است.

تفاوت‌های مدرنیسم و پست مدرنیسم

دو نگرش به برنامه‌ریزی که در این جا مورد بحث قرار گرفتند، آشکارا متفاوت هستند. مدرنیسم به وسیله عدومی کردن نیروها هدایت می‌شود، در صورتی که پست مدرنیسم در صدد بازگشت به

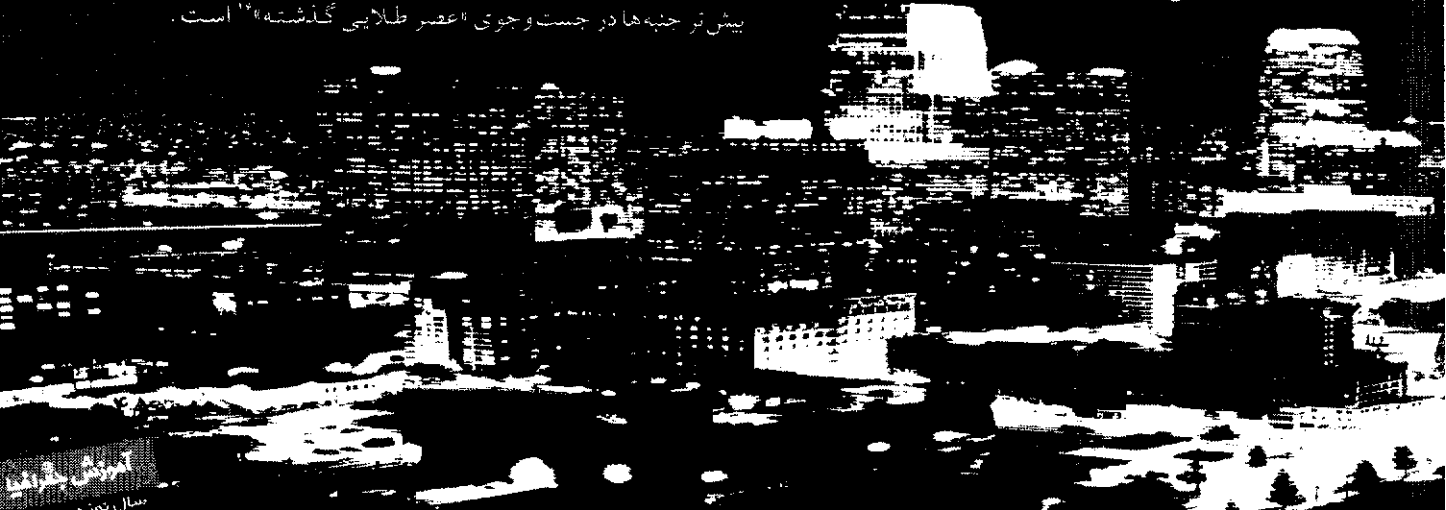
پست مدرنیسم	مدرنیسم
سلسله مراتب	هرج و مرج
طراحی	تصادف
تمرکز	پراکندگی
عقیده به پاسخگو بودن دلیل و علم عقلی	عقیده به غیر قابل درک بودن زندگی
عقیده به منطقی و منظم بودن دنیا	عقیده به نامنظم بودن دنیا
استنتاج حقایق عینی از طریق علم	تفسیرهای متعدد
جدیت، غنا (عمق) و استقلال جدی	سطحی‌نگری، جدی‌گرفتن تجارت (کمب و کار)، کالا، مد و سبک (مثل رجوع به شیوه‌های معماری گذشته و کنار هم چیدن آن‌ها)

رتال جامع علوم انسانی

تفاوت‌ها و جزئیات است.

مشکلات برنامه‌ریزی پست مدرنیستی همانند برنامه‌ریزی مدرنیستی، مشکلات برنامه‌ریزی پست مدرنیستی نیز بدیهی هستند. به نظر می‌رسد که پست مدرنیسم در بیش‌تر جنبه‌ها در جست‌وجوی «عصر طلایی گذشته»^{۱۵} است.

ایده‌های مدرنیستی در مورد برنامه‌ریزی و توسعه، به مقیاس بزرگ، کلان شهر وسیع، خردگرایی فناورانه و طرح‌های شهری



پست مدرنیسم	مدرنیسم	تصور عمومی از شهر
شهر همچون چشم انداز، به عنوان تبلور تنوع اجتماعی	شهر به عنوان یک شیء، به عنوان مسکن انبوه	
تنوع بیش تر، تأکید بیش تر بر زمینه محلی، کاربری مختلط اراضی	ادامه تأکید بر تراکم های پائین تر و نور طبیعی، منطقه بندی عملکردی، کاربری های مسکونی مختلط	موضوعات طراحی شهری
تجدید و ترمیم، تفوق (برتری)	توسعه مجدد زائحه ها، توسعه کنترل شده از طریق حومه ها، شهر جدید و کمربندهای سبز	موضوعات برنامه ریزی راهبردی
به تدریج، انطباق با شرایط	جامع، نه طرح جزئی و متحد (۱۹۶۰-۱۹۴۰) و نه قابل تطبیق	شیوه تصمیم گیری

نگرش «تخریب کامل و از نو ساختن»^{۱۴} برای توسعه استفاده می کند. این نشان دهنده آن است که برنامه ریزی در خدمت منافع سرمایه داران و توسعه دهندگانی است که در نقطه مقابل افراد ضعیف قرار دهند؛ به طوری که بعضی از افراد خاص می توانند در «اکثریت» طرح های مورد بحث سهمی باشند. طرح های بزرگ مقیاس، توسعه و فعالیت های توسعه مجدد به رحمت می توانند موجب توسعه منافع و رفاه افراد ضعیف باشند. چون افراد ضعیف در شرایطی نیستند که در فرایند برنامه ریزی شرکت کنند و منافع نتایج برنامه ریزی مدرنیستی را به دست آورند. استفاده از یک نگرش کوچک مقیاس از برنامه ریزی پست مدرنیستی، همراه با حساسیت نسبت به علاقه ها و زمینه های مقیاس انسانی، ایجاد می کند که برنامه ریزی حلقه وسیع تری از علاقه ها را دربرگیرد.

انتقاد عمومی نسبت به نتایج برنامه ریزی

مدرنیستی این است که یکسواختی و عمومیت ذاتی آن، به طرح های یکسواخت کاربری زمین با تفکیک دقیق کاربری های متفاوت و یک چشم انداز بی تنوع منجر شده است. برنامه ریزی نباید عامل به

معماری مدرنیستی از نظر تزئین برهنه است و ظاهر بسیاری ساختمان های طراحی شده تحت پست مدرنیسم دربرگیرنده ترکیبات، تزئین و رنگ های زیادتری است. لیکن تغییرات به وجود آمده به وسیله طرح های خیالی فقط از نظر ظاهری است.

در برنامه ریزی پست مدرنیستی تصور جامعه مهم است، ولی تحقق آن، هزینه پولی زیادی را می طلبد. به نظر می رسد که جامعه بومی سستی جای خود را به جوامعی با سبک زندگی امروزی داده است که برای افرادی قابل استفاده است که از عهده آن برآیند. علاوه بر موضوع جامعه، چگونگی وجود پست مدرنیسم محلی در عصر فرهنگ جهانی قابل بحث است.

بالاخره، شهر پست مدرن حتماً یک شهر ایده آل نیست. دیویس^{۱۵}، لوس آنجلس را با گروه ها، سبک زندگی عجیب و تقابل فقر و ثروت در آن، به عنوان شهر پست مدرن معرفی می کند.

مفاهیم پست مدرنیسم برای برنامه ریزی

اگر پست مدرنیسم واکنشی به جنبه های منفی قابل مشاهده در برنامه ریزی مدرنیستی است، پس تفاوت های بین این دو نباید راه هایی را برای توسعه برنامه ریزی ایجاد کند. برنامه ریزی تحت نگرش مدرنیستی از طرح های با شکوه و



Post Modernism

زیر نویس

1. Post-modernism
2. Modernist
3. Fordism
4. Henry Ford
5. mass production
6. HRH Prince Charles
7. destructive modernization
8. Robins
9. Harvey
10. post-fordism
11. scollage
12. other worlds
13. other voices
14. Mulgan
15. Goodchild
16. Lost golden age
17. Davies
18. Clean sweep
19. Bulldozer

منابع

این مقاله ترجمه ای است از :

Post-modernism and urban planning

برگرفته از :

<http://www.sympatico.ca/david.macleod/POMO.HTM>

وجود آورنده این وضعیت باشد، بلکه باید یا آن مخالفت کند. بنابراین، هدف باید تسهیل یک محیط ساخته شده شهری جذاب و قابل توجه باشد؛ به طوری که توسعه، «کلاژی» از فضاها ی خیلی متفاوت، کاربری های مختلط زمین و تنوعی از چشم انداز است. موضوع متن ممکن است این باشد که برنامه ریزی پست مدرنیستی نسبت به سنت بومی و تاریخ محلی حساسیت دارد، در صورتی که برنامه ریزی مدرنیستی فاقد آن است. این فقدان حساسیت در علاقه آن به طرح های باشکوه و تخریب و پاکسازی زمین ها به منظور ساختن راه برای توسعه، بدیهی و معلوم است. این امر بیش تر از این که به صورت محلی صورت بگیرد، از بالا تحمیل می شود.

انتقاد نهایی نسبت به برنامه ریزی مدرنیستی این است که شهر را قطعه قطعه می کند و با تعمیم معنی، جوامع را ویران می سازد. طبق طرز فکرهای پست مدرن، برنامه ریزی به جامعه، ساختمان شهر، تجدید و تجدید علاقه مند است. حس جامعه که با عملکرد مدرنیسم از دست رفته بود، دوباره برمی گردد. به جای تخریب که یک نگرش «بولدووزی» است، آنچه که قبلاً وجود داشته است، می تواند پیشرفت کند. این روش مجالی برای باقی گذاردن جوامع در مکان فراهم می آورد.

پست مدرنیسم موجب پیشرفت های متعددی در حواصه برنامه ریزی می شود. بعضی از موضوعات کلیدی که برنامه ریزی باید در عمل دارا باشد، عبارتند از: حساسیت، جامعیت، ساخت جامعه و جهتایی کوچک مقیاس. این نکات خیلی بدیهی و از جمله موضوعاتی هستند که برنامه ریزی باید به آن ها مربوط شود. شاید پست مدرنیسم در بازپس گویی جنبه هایی از برنامه ریزی که به کناری نهاده شده بودند، مفید واقع شود.

